در پرتو وحی

حسرت ظالم
از عدم انتخاب سیره پیامبر(ص)

«به خاطر بیاور روزی را که ظالم دست خویش را از شدت حسرت به دندان می‌گزد، و می‌گوید: ای کاش (من نیز همراه) با رسول خدا(ص) راهی (راست و درست را) برگزیده بودم.»
فرقان-۲۷

سالگرد شهادت شیخ فضل‌الله نوری

آنها در پای چوبه دار شیخ هم رقصیدند

دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان

در یک عصرگاه داغ تابستانی مرداد ۱۲۸۸. زمان اجرای حکم بیدادگاه مشروطه‌خواهان انگلیسی فرا رسید و شیخ فضل‌الله نوری را به مقابل عمارت نظمیه واقع در میدان سپه بردند. مدیر نظام نوّابی، نگهبان شیخ فضل‌الله نوری از لحظات آخر وی اینچنین حکایت کرده است:

«... آقا هفتادساله بود و محاسنش سفید... همین طور عصازنان و به‌طور آرام و با طمأنینه به طرف دار می‌رفت و مردم را تماشا می‌کرد... به پای چهارپایه دار رسید. پهلوی چهارپایه ایستاد. اول عصایش را به جلو میان جمعیت انداخت، قاپیدند. عبای نازک مشکی تابستانی دوشش بود. عبا را درآورد و همان‌طور که جلو میان مردم انداخت، قاپیدند. زیر بغل آقا را گرفتند و از دست چپ رفت روی چهارپایه رو به بانک شاهنشاهی و پشت به نظمیه... گفت: خدایا تو خودت شاهدی که من آنچه را که باید بگویم به این مردم گفتم، خدایا تو خودت شاهد باش که من برای این مردم به قرآن تو قسم یاد کردم... خدایا، خدایا تو خودت شاهد باش در این دم آخر باز هم به این مردم می‌گویم که مؤسسین این اساس، لامذهبین هستند که مردم را فریب داده‌اند این اساس، مخالف اسلام است... محاکمه من و شما مردم بماند پیش پیغمبر محمد بن‌عبدالله(ص)...

بعد از اینکه حرف‌هایش تمام شد عمامه‌اش را از سرش برداشت و تکان داد و گفت از سر من این عمامه را برداشته‌اند، از سر همه برخواهند داشت. این را گفت و عمامه‌اش را هم همان‌طور به جلو میان جمعیت انداخت، قاپیدند.

در این وقت طناب را به گردن او انداختند و چهارپایه را از زیر پای او کشیدند و طناب را بالا کشیدند... تا چهارپایه را از زیر پای او کشیدند یک مرتبه تنه سنگینی کرد و کمی پایین افتاد اما دوباره بالا کشیدند و دیگر هیچ‌کس از آقا کمترین حرکتی ندید! پس از اینکه آقا، جان تسلیم کرد، دستهٔ موزیک نظامی پای دار آمد و همان‌جا شروع کرد به زدن و افراد مسلح با تفنگ‌هایشان همین‌طور می‌رقصیدند. وقتی که موزیک راه افتاد مخالفین که توی ایوان جمع بودند کف می‌زدند و شادی می‌کردند...»[1]

سرنخ این بیماری شبه روشنفکری غرب‌زده از آن روز تا به امروز امتداد پیدا کرده است، از همان اعدام شیخ فضل‌الله نوری تا روی کار آوردن رضا پالانی و بعد هم فروش کشور به بیگانه و تا زمان انقلاب اسلامی که اخلاف آنها، تا آنجا که از دستشان برمی‌آمد، یاران انقلاب را ترور کردند، برای جنگ تحمیلی صدام، فرش قرمز پهن نموده و همراهش شدند، در فتنه‌ها آتش بیار معرکه بودند، برای حملات تروریستی رژیم صهیونیستی در جنگ ۱۲ روزه مزدوری کردند، در کودتای دی ماه ۱۴۰۴، بهترین فرزندان این ملت را سلاخی نمودند و در تجاوز نظامی ۴۰ روزه بر پیکرهای پاک و خون جوشان رهبر شهید و دانش‌آموزان و معلم‌های میناب و ورزشکاران لامرد و شهدای ناو دنا و بچه‌ها و زنان و مردان بی‌دفاع، رقصیدند و پایکوبی کردند و برای بیگانگان فرش قرمز پهن نمودند.

اما این بار ماجرا با شهادت مظلومانه رهبر و با ترور فرماندهان نظامی و مردم بی‌گناه و دانشمندان و... تمام نشد، بلکه تازه با آن فداکاری‌ها و شهادت‌ها، انگار انقلاب از نو متولد گردید و این بار مردم مبعوث شده به مقابله با فرومایگان سفله و پست غرب‌زده برخاستند تا دوباره مشروطه‌خواهان انگلیسی، نهضت مردم را تصاحب نکنند و رضا پالانی دیگری روی کار نیاورند و کشور را در اختیار بیگانگان قرار ندهند. این بار همه یک ملت، شیخ فضل‌الله نوری شدند.

شیخ همیشه پیشگام بود

شیخ فضل‌الله نوری فرد ناشناخته‌ای نبود، هم مردم و هم به اصطلاح خواص او را خوب می‌شناختند و با روحیاتش کاملاً آشنا بودند. او در کنار و همراه روحانیون و مراجع دیگر، از پیشگامان نهضت عدالتخانه بود که بعدا عنوان مشروطه را یافت. شاگرد میرزای شیرازی بود و با مهاجرت میرزا به سامرا، او نیز همراه جمعی از علما و فضلا به سامرا رفت. وقتی بازگشت، در ردیف مجتهدین طراز اول تهران قرار گرفت. در جنبش تنباکو در کنار میرزای آشتیانی از ارکان اصلی نهضت در تهران بود و برای نهضت عدالتخانه و مشروطه هم از نخستین علمای تهران به شمار رفت که در آستان مقدس حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) به همراه روحانیون مجاهدی همچون آقا نجفی اصفهانی و آخوند ملا قربانعلی زنجانی، متحصن شد. از همین روی وقتی او را متهم به استبداد و ضد مشروطه‌خواهی کردند، گفت:

«... مکرر این مطلب را گفته، باز می‌گویم اساس این مجلس و مشروطیت من بودم و هستم... این مجلس برای امروزه ما خیلی لازم است. یقین است زمانی که دارای مجلس بودیم، وکلا از طرف تمام ملت باید در مجلس باشند؛ اما چه نوع وکیل برای این مجلس لازم است؟ دارای چه صفاتی باید باشند؟... لااقل باید مسلمان و طریقه جعفری را دارا باشند؛ از خدا بترسند...»[2]

با مشروطه انگلیسی مخالف بود

وقتی در مقابل حرکت علماء و روحانیون و مهاجرت آنها به قم برای درخواست برپایی عدالتخانه، عده‌ای از تجار به سرکردگی محمدتقی بنکدار با هدایت برخی شبه روشنفکران وابسته به سفارت انگلیس مانند حسینقلی نواب و حسن تقی‌زاده و یحیی دولت‌آبادی (از عوامل تشکیلات فراماسونری)، به این سفارتخانه پناهنده شدند و ناگهان درخواست مردم و سران تحصن را از مجلس عدالت یا مشورت به «مشروطه‌خواهی» تبدیل کردند، شیخ فضل‌الله نوری در مقابل این انحراف ایستاد و گفت:

«... مشروطه‌ای که از دیگ پلوی سفارت انگلستان بیرون بیاید به درد ما نمی‌خورد...»[3]

شیخ فضل‌الله نوری بر این عقیده بود که اگر مقصود تقویت اسلام است، انگلیس حامی آن نمی‌شود و اگر مقصودشان، عمل به قرآن باشد، پناه به کفر نمی‌برند و آنها را یاور و معین و محل اسرار خود قرار نمی‌دهند. او از این توطئه و انحراف پرده برداشت و طی نامه‌ای به علما یادآور شد که:

«شما بهتر می‌دانید که دین اسلام اکمل ادیان و اتمّ شرایع است و این دین عدالت و شورا را به دنیا عرضه داشت. آیا چه اتفاقی افتاده است که امروز باید دستورالعمل ما از پاریس برسد و نسخه شورای ما را از انگلستان بیاورند؟»

چماقداران مشروطه‌خواه!

از همین روی مدعیان مشروطه انگلیسی از وی هراس داشتند و می‌ترسیدند که پته وابستگی‌شان روی آب بیفتد. آنها به‌نام آزادی، بزرگ‌ترین خفقان را بر جامعه تحمیل کردند. شیخ فضل‌الله را برنمی‌تافتند و با تبلیغات ناجوانمردانه در مطبوعات و سخنرانی‌ها، او را سخت در تنگنا قرار دادند.

اما در مقابل انگلیسی شدن قوانین، شیخ در حرم حضرت عبدالعظیم تحصن کرد و در همین ایام نیز روزنامه‌ای به نام «لایحه» منتشر نمود تا اندیشه و اهداف خود از تحصن و مقاصد شوم مدعیان مشروطه را برملا سازد. ولی مشروطه‌خواهان انگلیسی حتی تحمل انتشار دستخط یک صفحه‌ای شیخ را هم نداشتند. ضیاءالدین درّی، شاهد آن روز، چنین گزارش نموده است:

«... عصر همان روز رفتم بهارستان، دیدم آن اوراق را پاره می‌کردند و لگدمال می‌نمودند و یا آنکه آتش می‌زدند و مرده باد می‌گفتند. به یکی از آن حلال‌زاده‌ها گفتم: در این لایحه اسم خدا و رسول و امام عصر نوشته شده است؛ چرا لگدمال می‌کنید؟ چرا آتش می‌زنید؟ بنای مزخرف‌گویی را گذاشت که سخنانش به مراتب از فحش بدتر بود...»[4]

حرکات و اعمالی که امروز هم چماقداران و اراذل و اوباش خلف آنها در مقابل نظام جمهوری اسلامی و حمایت آزادیخواهان جهان از آن، انجام می‌دهند تا آنجا که دیگر رذالتشان زبانزد رسانه‌های بین‌المللی گردیده است!

و این همه نتیجه انحراف و خیانتی بود که از سوی انگلیس و شبه روشنفکران به نهضت عدالتخانه تحمیل شد. سعی کردند روحانیون و علمایی که نهضت مردم را تا آنجا رهبری کرده بودند را به حاشیه برانند تا راه نفوذ عوامل انگلیس و استعمار باز شود.

از همین روی شیخ فضل‌الله نوری در بیدادگاهی محاکمه و به اعدام محکوم شد که رئیس آن فراماسونر برجسته، شیخ ابراهیم زنجانی بود و اعضایش وابستگان به بیگانه و خودفروختگانی مانند حسن تقی‌زاده (فراماسونر و سرسپرده انگلیس)، اسعد بختیاری (از عوامل انگلیس) و وثوق‌الدوله (عامل قرارداد ننگین ۱۹۱۹) و...

و در آن روزها، برخلاف امروز، مردم حرکتی انجام ندادند. آنها در پای چوبه دار شهید شیخ فضل‌الله نوری ایستادند، به حرف‌ها و اتمام حجتش گوش دادند و ساکت ماندند. رهبر شهید، حضرت آیت‌الله سید علی حسینی خامنه‌ای در این باره فرمودند:

«... ملتی که در شهر تهران ایستادند و تماشا کردند که مجتهد بزرگی مثل شیخ فضل‌الله نوری را بالای دار بکشند و دم نزدند؛ دیدند که او را با اینکه جزو بانیان و بنیانگذاران و رهبران مشروطه بود، به جرم اینکه با جریان انگلیسی و غرب‌گرای مشروطیت همراهی نکرد، ضد مشروطه قلمداد کردند- که هنوز هم یک عده قلمزن‌ها و گویندده‌ها و نویسنده‌های ما همین حرف دروغ بی‌مبنای بی‌منطق را نشخوار و تکرار می‌کنند- پنجاه سال بعد چوبش را خوردند: در همین شهر تهران مجلس مؤسسانی تشکیل شد و در آنجا انتقال سلطنت و حکومت به رضا شاه را تصویب کردند... همین ملت آن روزی که به خیابان‌ها آمدند و سینه‌شان را مقابل تانک‌های محمدرضا پهلوی سپر کردند و از مرگ نترسیدند؛ خدای متعال پاداش آنها را داد؛ حکومت ظلم ساقط شد، حکومت مردمی سر کار آمد...»

۱- نگاه دوم (روایتی دیگر از سرگذشت و اندیشه‌های شیخ فضل‌الله نوری)- دکتر شمس‌الدین تندرکیا (نوه شیخ فضل‌الله نوری) به اهتمام مجتبی شکوری- روزنامه فرمان- ۱۳۳۵

۲- حسن معاصر- تاریخ استقرار مشروطیت در ایران- جلد دوم- انتشارات ابن سینا- صفحه ۳۶۸

۳- چهارده قرن تلاش شیعه برای ماندن و توسعه- روح‌الله حسینیان- مرکز اسناد انقلاب اسلامی- چاپ اول- ۱۳۸۷

۴- محمد ترکمان- مجموعه‌ای از رسائل اعلامیه‌ها مکتوبات و روزنامه شیخ فضل‌الله نوری- جلد ۲- نشر رسا- صفحه ۳۲۴

کیهان بررسی کرد

جای مطالبات مردم در پرسش‌های اعضای دفتر رئیس‌جمهور از پزشکیان خالی بود!

سرویس سیاسی-

گفت‌وگوی ضبط‌شده تلویزیونی رئیس‌جمهور، رویکرد متفاوت و قابل تأملی را در اطلاع‌رسانی دولت رقم زد. جایگزینی مجریان رسانه ملی با اعضای دفتر، اگرچه بستری برای ارائه آمارها ایجاد کرد، اما مطالبات معیشتی و دغدغه‌های مردم را در سایه یک گزارش‌دهی معمولی به حاشیه برد.

گفت‌وگوی تلویزیونی اخیر رئیس‌جمهور، به بهانه آغاز سومین سال فعالیت دولت چهاردهم، رویکرد جدید و بی‌سابقه‌ای را در ساختار اطلاع‌رسانی دولت به نمایش گذاشت. طبق روال معمول و سنوات گذشته، گفت‌وگوی رئیس‌جمهور با مردم همواره با حضور مجریان مطرح صداوسیما برگزار می‌شد؛ گفت‌وگوهایی که فارغ از تمام نقدهای وارد بر آن، به دلیل هویت رسانه‌ای مجریان، تا حدی حامل دغدغه‌ها، مطالبات معیشتی و سؤالات صریح مردم از شخص اول اجرائی کشور بود.

اما تیم رسانه‌ای دولت چهاردهم در اقدامی بی‌سابقه، سبک جدیدی را پایه‌ریزی کرد: گفت‌وگویی ضبط‌شده و درون‌سازمانی که در آن اعضای دفتر خودِ رئیس‌جمهور در مقام مصاحبه‌کننده قرار گرفتند. این رویکرد که بیشتر به یک گزارش‌دهی داخلی شباهت داشت، نشانه واضحی از کاهش اعتماد به نفس تیم رسانه‌ای دولت در مواجهه با پرسش‌های چالش‌برانگیز رسانه‌های مستقل و مطالبات روزمره مردم تلقی می‌شود؛ فرمولی که در آن «خودشان پرسیدند، خودشان پاسخ دادند، خودشان ضبط کردند و در نهایت از عملکرد خود تمجید نمودند.»

با وجود این نقد ساختاری به شکل مصاحبه، بررسی گزیده بخش اول و دوم گفت‌وگوی رئیس‌جمهور حاوی نکات و آمارهای مهمی در حوزه‌های انرژی، اقتصاد، تحولات جاری و سیاست خارجی است که مشروح آن در ادامه می‌آید.

روایت پزشکیان از وضعیت ناترازی‌های انرژی

مسعود پزشکیان در پاسخ به پرسشی درخصوص وضعیت ناترازی‌های انرژی و شرایط تحویل دولت، به تشریح ابعاد بحران سوخت در بدو آغاز به کار خود پرداخت و گفت:

«دولت را در شرایطی تحویل گرفتیم که برآیند وضعیت این بود که در زمستان باید با قطعی برق، آب و گاز مواجه می‌شدیم. مجموع ذخایر انرژی ما یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون لیتر بود و می‌گفتند این ذخایر تا آبان بیشتر دوام نمی‌آورد و پس از آن سوختی برای نیروگاه‌ها نداشتیم. اما با همراهی مردم و مدیریت توانستیم از این بحران عبور کنیم.»

وی با تأکید بر مفهوم وفاق ملی و نقش مردم در مدیریت مصرف افزود: «همین پنل‌های خورشیدی که راه‌اندازی شده‌اند، اکنون نزدیک به ۷ هزار مگاوات وارد مدار کرده‌اند؛ یعنی معادل حدود ۷ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری که ظرفیت آن در حال توسعه است. اگرچه هدف‌گذاری ما احداث ۳۰ هزار مگاوات پنل خورشیدی بود و به دلیل مشکلات و محاصره‌ها به آن نرسیدیم، اما هدف ما صرفاً محدود به ۱۲ هزار مگاوات قانون برنامه نیست و به دنبال توسعه حداکثری انرژی‌های پاک هستیم.»

رئیس‌جمهور با اشاره به آسیب‌های وارد شده به زیرساخت‌ها در طول سال گفت: «امسال با وجود اینکه نیروگاه‌های ما را زدند و روزانه نزدیک به ۲۳۰ میلیون مترمکعب گاز ما را زدند، قطعی برق بسیار کمی در گرما داشتیم و برنامه‌ریزی کرده‌ایم که برق صنایع و کارگاه‌ها قطع نشود. برای زمستان نیز با وجود کمبود روزانه ۲۳۰ میلیون مترمکعب گاز، در حال طراحی برنامه‌هایی هستیم تا مردم با مشکل مواجه نشوند.»

محاسبه غلط دشمنان از فروپاشی اقتصاد ایران

بخش دیگری از این گفت‌وگو به تشدید فشارهای اقتصادی، تحریم‌ها و محاصره دریایی اختصاص داشت. پزشکیان با اشاره به ارزیابی‌های دشمنان از فروپاشی اقتصاد ایران تاکید کرد:

«آن‌ها انتظار داشتند کشور به دلیل فشارهایی که طی سال‌ها وارد کرده‌اند، سقوط کند. اکنون در دولت ما این فشارها به حداکثر رسیده و خودشان هم در تحلیل‌هایشان تعجب می‌کنند که چرا ما سقوط نکرده‌ایم. تحریم یک واقعیت است؛ وقتی نتوانیم نفت بفروشیم ارز کمتری داریم، اما با کمک دانشگاهیان و فعالان اقتصادی در حال مدیریت اوضاع هستیم.»

وی درباره نحوه تعامل با کشورهای همسایه و دور زدن بسترهای تحریمی، تصریح کرد: «چون امکان جابه‌جایی پول را نداریم، بخشی از مبادلات به صورت تهاتری انجام می‌شود. ارتباط ما با همسایگان بسیار بهتر از گذشته است. یکی از برنامه‌های دشمنان ایجاد ناآرامی از شمال‌غرب و جنوب‌شرق بود، اما خود کشورهای منطقه اجازه ندادند کسی از آن‌سوی مرزها وارد شده و اغتشاش ایجاد کند. رسیدن به این وفاق کار ساده‌ای نبود.»

افزایش مبلغ کالابرگ در دستور کار

وی با دفاع از انتقال یارانه از ابتدای زنجیره به مصرف‌کننده نهائی جهت جلوگیری از رانت و فساد، اظهار داشت: «ارزی که در ابتدای زنجیره داده می‌شد، زمینه فساد، بیش‌اظهاری در واردات و کم‌اظهاری در صادرات را فراهم می‌کرد. ما این سازوکار را تغییر دادیم. البته با توجه به گران شدن قیمت‌ها، اکنون باید مبلغ کالابرگ را افزایش دهیم تا فشار بر معیشت مردم کم شود. تلاش می‌کنیم سهم دهک‌های بالا را کاهش داده و به دهک‌های پایین اضافه کنیم.»

پزشکیان ادعای افزایش تقاضا پس از آزادسازی نرخ ارز را رد کرد و افزود: «اطلاعات من برعکس است؛ تقاضا و قاچاق کاهش یافته است. به عنوان مثال در موضوع نان، آمارهایی داریم که یک خانواده در ماه ۱۸ تن نان گرفته است! این یعنی نان در مسیر دیگری مصرف می‌شده و ما در حال ساماندهی آن هستیم.»

توسعه کریدورها؛ افتتاح راه‌آهن چابهار- زاهدان در هفته دولت

رئیس‌جمهور با تشبیه کریدورها به «شریان‌های حیاتی بدن انسان» بر اولویت توسعه خطوط ریلی تاکید کرد و از آخرین وضعیت پروژه‌های زیربنایی خبر داد:

- راه‌آهن چابهار- زاهدان: این مسیر بیش از ۶۰۰ کیلومتری به عنوان شریان اصلی به پایان رسیده و در هفته دولت به بهره‌برداری می‌رسد.
- راه‌آهن رشت- آستارا: تمام ۱۶۰ کیلومتر مسیر آزادسازی و تملک شده و پیمانکار روسی احداث آن را آغاز می‌کند.
- مسیر تهران- چشمه‌ثریا: در حال نهائی کردن پیمانکار جهت اتصال ریلی تبریز به ترکیه.
- خطوط مترو و حومه‌ای: برنامه‌ریزی برای اتصال ریلی تهران به شهرهای اطراف نظیر اسلامشهر، شهر قدس، رباط‌کریم و شهریار.

پزشکیان خاطرنشان کرد: «علت اینکه با وجود محاصره‌ها کمبودی در بازار دیده نمی‌شود، استفاده از مسیرهای مویرگی است؛ اما با تکمیل کریدورها و خطوط ریلی، توان جابه‌جایی کالا چند برابر خواهد شد.»

فروپاشی ادعاهای حقوق بشری غرب

رئیس‌جمهور در بخش دیگری از این گفت‌وگو، با اشاره به جنایات صورت‌گرفته در جنگ اخیر و هدف قرار گرفتن دانشگاه‌ها، مراکز هوش مصنوعی و دانشمندان، ادعاهای بین‌المللی درباره حقوق بشر را کاملاً فرو ریخته دانست و تاکید کرد: دشمن با هر نمادی از توانمندی و نخبگی کشور مخالف است.

وی در واکنش به حواشی پیام رهبر فقید درباره تفاهم‌نامه آتش‌بس و عبارت «علی‌الاصول موافق نبودم»، تفرقه‌افکنی برخی جریان‌ها را خروج از جاده انصاف خواند و تصریح کرد که ایشان با کسب رأی ۱۲ عضو از ۱۳ عضو شورا، نظر کارشناسی را پذیرفته بودند.

شخصیت آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای استثنائی است

پزشکیان همچنین با اشاره به انتخاب آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای به عنوان رهبر جدید، به تمجید از ویژگی‌های اخلاقی و مدیریتی ایشان پرداخت و اظهار داشت: «شخصیت ایشان از نظر اخلاق، منطق، تواضع و بردباریِ واقعاً استثنایی است. من هرچه در دل داشتم صریحاً با ایشان در میان گذاشتم و با مهربانی و برخوردی بسیار منطقی مواجه شدم.»

وی با انتقاد شدید از فضاسازی‌های رسانه‌ای افزود: «مطالبی که گاهی مطرح می‌شود یا چهره‌ای که برخی خناسان و جریان‌های مغرض از ایشان ترسیم می‌کنند، با واقعیت کاملاً متفاوت است. وجود ایشان و تعامل صریح با رهبری، نقطه قوت بسیار بزرگی برای دولت در ادامه این مسیر سخت خواهد بود.»

نمایش پهپادها و جنگنده‌های منهدم‌شده «آمریکایی- صهیونی» توسط سامانه نوین پدافندی نیروی هوافضای سپاه

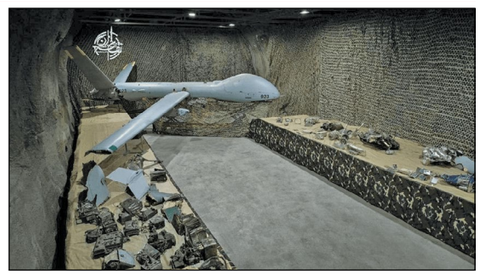

تصاویر جدیدی از بقایای پهپادها و جنگنده‌های آمریکایی- صهیونی که توسط سامانه پدافندی نوین نیروی هوافضای سپاه پاسداران رهگیری و منهدم شده‌اند، منتشر شد.

تصاویر جدیدی از بقایای پهپادها و جنگنده‌های آمریکایی- صهیونی که توسط سامانه پدافندی نوین نیروی هوافضای سپاه پاسداران رهگیری و منهدم شده‌اند، منتشر شد. در تصاویر فوق لاشه جنگنده F۱۵ پهپاد شناسایی-رزمی MQ-۱Cگری ایگل، پیشرانه توربوپراپ TPE۳۳۱ مورد استفاده در پهپاد شناسایی-رزمی MQ۹ ریپر و همچنین یک پهپاد شناسایی-رزمی هرمس-۹۰۰ قابل مشاهده است.

غریب‌آبادی:

دیپلماسی در جنگ ادامه دارد اما با ادبیاتی متناسب با شرایط جنگی

معاون حقوقی و بین‌الملل وزارت امور خارجه با تأکید بر اینکه دیپلماسی حتی در شرایط جنگی متوقف نمی‌شود، گفت: روندهای دیپلماتیک در زمان جنگ ادامه دارد، اما پیام‌ها، مواضع و ادبیات دستگاه دیپلماسی باید متناسب با شرایط جنگی تنظیم شود و به هیچ‌وجه نباید حاکی از ضعف در برابر دشمن باشد.

کاظم غریب‌آبادی، معاون حقوقی و بین‌المللی وزارت امور خارجه روز جمعه (۱۶ مردادماه) در گفت‌وگوی تفصیلی با ایرنا، به تشریح ابعاد مختلف تحولات پس از جنگ ۴۰روزه، نقش برخی کشورهای همسایه در این درگیری‌ها، روند مستندسازی تجاوزات و همچنین شیوه تعامل دیپلماسی و میدان در شرایط جنگی پرداخت.

غریب‌آبادی با تاکید بر اینکه حضور نیروهای خارجی هرگز امنیت‌پایدار برای منطقه به همراه نخواهد داشت، تصریح کرد: کشورهای حاشیه جنوبی خلیج‌فارس پس از تحولات اخیر به این باور رسیده‌اند که امنیت منطقه باید بومی و با مشارکت تمام کشورهای همسایه تأمین شود.

مستندسازی نقش برخی همسایگان در حمله به ایران

معاون حقوقی و بین‌المللی وزارت امور خارجه با اشاره به همراهی برخی کشورهای منطقه با اقدامات نظامی ایالات متحده در طول جنگ ۴۰ روزه اظهار داشت: این یک واقعیت است که برخی از کشورهای حاشیه جنوبی خلیج‌فارس قلمرو خود را در اختیار دولت متجاوز آمریکا قرار دادند تا از آنجا به جمهوری اسلامی ایران حمله شود. ما تمامی این موارد، شامل تاریخ، زمان پرواز هواپیماها و پرتاب موشک‌ها از قلمرو این کشورها را مستندسازی کرده و به ثبت شورای امنیت سازمان ملل رسانده‌ایم.

وی در پاسخ به سؤالی درباره احتمال انجام حملات مستقیم از سوی برخی کشورهای همسایه و اخبار مربوط به همراهی با آمریکا در هدف قرار دادن مواضع مقاومت افزوده: بر اساس گزارش‌های دریافتی از نیروهای مسلح، در چند مورد محدود، حملات به‌صورت مستقیم از سوی برخی کشورها انجام شد. طبق قطعنامه سال ۱۹۷۴ مجمع عمومی سازمان ملل، در اختیار قرار دادن قلمرو برای تجاوز به دیگری، مصداق بارز تجاوز محسوب می‌شود و در مواردی که نیروهای مسلح ما به این جمع‌بندی رسیدند که نقش مستقیم اثبات شده است، پاسخ‌های قاطع‌تر و محکم‌تری دادند.

غریب‌آبادی با نقد رویکرد طلبکارانه و مظلوم‌نمایی برخی از این کشورها در مجامع بین‌المللی تاکید کرد که رد این واقعیت‌ها از سوی همسایگان برای ایران قابل پذیرش نیست و موجب ایجاد شکاف جدی شده است.

ارزیابی جدید کشورهای منطقه از پیامدهای تداوم جنگ و چشم‌انداز نشست‌های امنیتی

بخش دیگری از این گفت‌وگو به تغییر ارزیابی و محاسبات کشورهای حاشیه خلیج‌فارس اختصاص داشت. غریب‌آبادی با اشاره به تماس‌های مداوم دیپلماتیک با مقامات این کشورها گفت: بر اساس اطلاعات و تماس‌های موجود، کشورهای منطقه به این جمع‌بندی رسیده‌اند که گسترش و تداوم اقدامات نظامی، امنیت و توسعه اقتصادی آن‌ها را به‌شدت تهدید می‌کند. آن‌ها متوجه شده‌اند که مستقیماً از آثار تداوم عملیات آسیب می‌بینند و تلاش‌های آنان برای توقف درگیری‌ها یا ازسرگیری مذاکرات نیز مبتنی بر همین ارزیابی واقعی است.

وی با استقبال از شکل‌گیری اجماع منطقه‌ای برای حل بومی مسائل امنیتی خاطرنشان کرد: پیش از دور جدید درگیری‌ها و در دوره اجرای یادداشت تفاهم، حتی برنامه‌ریزی‌هایی برای برگزاری نشست مشترک امنیتی در سطح وزرای خارجه تمامی کشورهای خلیج‌فارس انجام شده بود.

این امر نشان داد که اتکا به بیگانگان حتی با پیشرفته‌ترین تجهیزات، امنیت‌ساز نیست. در صورت بازگشت به شرایط صلح و ثبات، زمینه‌سازی برای برگزاری مجدد این نشست‌ها و شکل‌گیری ترتیبات امنیتی درون‌زا بسیار محتمل و قابل پیگیری است.

چرا ادبیات دیپلماسی در زمان جنگ باید با دوران صلح متفاوت باشد؟

معاون حقوقی و بین‌المللی وزارت امور خارجه در پاسخ به برخی انتقادات داخلی مبنی بر لزوم پرهیز از به‌کارگیری ادبیات تند در جبهه دیپلماسی گفت: انتظار اینکه ادبیات ما در زمان جنگ مانند زمان صلح باشد، به هیچ وجه منطقی و امکان‌پذیر نیست. اگر دستگاه دیپلماسی در برابر دشمنی که مردم بی‌گناه را می‌کشد و زیرساخت‌ها را هدف قرار می‌دهد با لحنی ملایم صحبت کند، دشمن احساس ضعف ما را برداشت کرده و ترغیب به گسترش حملات می‌شود.

وی با یادآوری تجربه دو دهه حضور خود در مذاکرات بین‌المللی افزود: تجربه نشان داده است هرگاه در برابر آمریکا و طرف‌های غربی موضع ضعیفی اتخاذ شود، آن‌ها چند قدم جلوتر می‌آیند. امروز تمامی دولتمردان و نظامیان آمریکایی ادبیات یکپارچه و جنگی علیه ایران دارند؛ بنابراین جبهه دیپلماتیک نیز باید موضعی محکم و متناسب با شرایط جنگی اتخاذ کند تا دشمن دچار سوءمحاسبه نشود.

هماهنگی میان میدان و دیپلماسی

غریب‌آبادی با رد ادعای تعطیلی دیپلماسی در زمان بحران‌های نظامی تاکید کرد که سطح و شیوه دیپلماسی در زمان جنگ تغییر می‌کند، اما متوقف نمی‌شود. وی به تحرکات فشرده دیپلماتیک در طول جنگ‌های گذشته اشاره کرد و یادآور شد که فرستادن پیام‌ها، تعامل با واسطه‌ها و اتخاذ مواضع رسمی بخشی از ذات دیپلماسی فعال در شرایط جنگی است.

وی در پایان با اشاره به انسجام کامل میان بخش‌های مختلف کشور تصریح کرد: به‌عنوان کسی که در دو دهه گذشته در فرآیندهای گوناگون حضور داشته‌ام، با قاطعیت می‌گویم که در هیچ دوره‌ای هماهنگی میان میدان و دیپلماسی به اندازه امروز نبوده است. فرماندهان نظامی نیز بر این هماهنگی کامل اذعان دارند. اعتقاد کامل دولت بر این است که همه اجزای یک پیکر هستیم و باید با هم‌افزایی، دشمن را ناکام گذاشته و کشور را با حداقل خسارت از این مرحله عبور دهیم.

آسوشیتدپرس:

۷۰۰ نظامی آمریکایی در جنگ علیه ایران ضربه مغزی شده‌اند

در پی تجاوزهای نظامی آمریکا علیه ایران و پاسخ‌های پهپادی و موشکی ایران علیه پایگاه‌های آمریکایی، نگرانی‌ها در واشنگتن درباره پیامدهای بلندمدت آسیب‌های مغزی نظامیان آمریکا افزایش یافته است؛ به‌طوری که بر اساس آمار رسمی، نزدیک به ۷۰۰ نظامی آمریکایی در این جنگ دچار آسیب‌های مغزی شده‌اند.

خبرگزاری آسوشیتدپرس در گزارشی نوشت، ادامه جنگ متجاوزانه آمریکا علیه ایران نگرانی‌های تازه‌ای درباره پیامدهای بلندمدت آسیب‌های مغزی ناشی از انفجار برای نظامیان آمریکایی ایجاد کرده است؛ آسیبی که به گفته پزشکان، حتی در مواردی که در ابتدا خفیف به نظر می‌رسد، ممکن است سال‌ها بعد با اختلالات حافظه، سردردهای مزمن، سرگیجه و مشکلات شناختی بروز کند.

بر اساس اظهارات مقام‌های نظامی آمریکا که آسوشیتدپرس به آنها استناد کرده، تاکنون نزدیک به ۷۰۰ نظامی آمریکایی در حملات پهپادی و موشکی به پایگاه‌های این کشور در غرب آسیا و دیگر درگیری‌ها زخمی شده‌اند و بیشتر آنها دچار آسیب مغزی ناشی از ضربه یا موج انفجار شده‌اند، اما ظاهرا پس از درمان اولیه دوباره به خدمت بازگشته‌اند.

شان پارنل، سخنگوی ارشد پنتاگون، ماه گذشته اعلام کرد که بخش عمده این آسیب‌ها در یک بازه دو هفته‌ای، «ضربه‌های مغزی خفیف» بوده است.

با این حال، متخصصان مغز و اعصاب به آسوشیتدپرس گفته‌اند اصطلاح «خفیف» می‌تواند گمراه‌کننده باشد، زیرا شماری از مبتلایان حتی با علائم اولیه محدود، ماه‌ها یا سال‌ها با عوارضی مانند سردرد، سرگیجه، اختلال تمرکز، فراموشی و آنچه «مه مغزی» خوانده می‌شود، دست‌وپنجه نرم می‌کنند. دیوید اوکونکو، متخصص آسیب‌های مغزی، تأکید کرد افرادی که دچار ضربه مغزی شده‌اند باید پیش از بازگشت به فعالیت‌هایی که احتمال آسیب مجدد را افزایش می‌دهد، به‌طور کامل بهبود یابند.

جیمز کلی، استاد بازنشسته عصب‌شناسی و دانشمند ارشد بنیاد «زخم‌های نامرئی» نیز گفت موج انفجار به‌تنهائی می‌تواند به مغز آسیب برساند و این نوع آسیب از نظر سلولی با ضربه مستقیم به سر تفاوت دارد.

آسوشیتدپرس نوشت جنگ علیه ایران، نظامیان آمریکایی را با نوع جدیدی از نبرد روبه‌رو کرده است؛ نبردی که در آن پهپادها ممکن است در فاصله بسیار نزدیک‌تری از سر نیروها منفجر شوند؛ وضعیتی که با بمب‌های کنار جاده‌ای رایج در جنگ‌های عراق و افغانستان تفاوت دارد.

در همین حال، قانونگذاران دموکرات آمریکایی خواستار بررسی نحوه رسیدگی به مجروحان حمله پهپادی ایران علیه پایگاه‌های آمریکا در کویت شده‌اند؛ حمله‌ای که در آغاز جنگ به کشته شدن ۶ نظامی آمریکایی انجامید.

تمی بالدوین، در نامه‌ای از ارتش خواست نتایج تحقیقات مربوط به حمله اول مارس را منتشر کند و اعلام کرد با شماری از مجروحانی گفت‌وگو کرده که هفته‌ها پس از آسیب مغزی حتی تحت غربالگری اولیه نیز قرار نگرفته بودند.

در مقابل پیترگریوز، سخنگوی سازمان سلامت دفاعی آمریکا، اعلام کرد انجام غربالگری آسیب‌های مغزی برای نیروهای نظامی، بخشی از سیاست رسمی این نهاد است.

بر اساس این گزارش، از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۵ بیش از ۵۰۰ هزار نظامی آمریکایی مبتلا به آسیب مغزی تشخیص داده شده‌اند که ۸۲ درصد آنها در رده آسیب‌های خفیف قرار داشته‌اند، هرچند همه این موارد ناشی از نبرد نبوده است. با این حال، کارشناسان معتقدند شمار واقعی مبتلایان احتمالاً بیشتر است، زیرا علائم این آسیب‌ها اغلب با اختلال استرس پس از سانحه و سایر مشکلات روانی هم‌پوشانی دارد.

به گزارش ایسنا، آسوشیتدپرس همچنین روایت چند نظامی سابق آمریکا را منتشر کرد که سال‌ها پس از حضور در عراق و افغانستان همچنان با پیامدهای آسیب‌های مغزی زندگی می‌کنند؛ از جمله سردردهای مزمن، سرگیجه، فراموشی، اختلال گفتار، تشنج، حساسیت به نور و حتی افکار خودکشی.

هدیه به خوانندگان

شهید مدافع حرم، حمیدرضا اسداللهی(ره): مولایم! امام زمان(عج)، در حر